

■ **امروز در سایه محاصره و تحریم اقتصادی، وضعیت معیشتی سختی را تجربه می‌کنیم و این سوال مطرح است که چگونه باید این محاصره را بشکنیم؛ به نظر م باید از طریق هنر و اندیشه برای شکستن این محاصره اقدام کنیم و با اطلاع‌رسانی واقعیت‌ها به مردم دنیا، آنها را با خود همراه کنیم و افکار عمومی را تغییر دهیم**

**محمدرضا کردلو:** در یکی از روزهای حضور در دمشق به پیشنهاد آقای فتاحی‌نظام، فعال رسانه‌ای و خبرنگار، فرصت گفت‌وگو با یکی از فیلمسازان مطرح کشور سوریه فراهم شد؛ کارگردانی باسابقه که آثار برجسته‌ای در سینمای سوریه دارد. آقای نجات اسماعیل انزور، کارگردان بیش از ۶۰ سریال، فیلم سینمایی و برنامه تلویزیونی که با فیلم سینمایی «خون نخل» در جشنواره بین‌المللی مقاومت شرکت کرده است.ملک‌الرمال (پادشاه شن‌ها) که به تاریخچه و تاثیرات رژیم سعودی می‌پردازد، از دیگر فیلم‌های اوست. او در حال حاضر به دنبال ساخت اثری با محوریت پیروزی مقاومت در جنگ سال‌های اخیر سوریه است. آقای انزور به ما گفت در این فیلم به نقش مثبت کشورهای محور مقاومت، بویژه ایران در آزادسازی سوریه از دست تکفیری‌ها خواهد پرداخت. متن کامل این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید. این مصاحبه با کمک دوستان دفتر سازمان هنری- رسانه‌ای اوج در کشور سوریه تهیه و تنظیم شده است و آقای «فتاحی‌نظام» در طرح و دقیق تر شدن سوالات و نیز ترجمه گفت‌وگو کمک شایانی کرده‌اند.

\*\*\*

■ **آقای نجات انزور!** با عنوان اولین سوال، آیا شیوه‌ای وجود دارد که سینمایی مقاومت به گونه‌ای توسعه یابد که مفهوم مقاومت جایگاه اصلی خود را در جهان بیابد؟
بی‌تردید کشورهایی که امروز مقاومت را در پیش گرفته‌اند، نسبت به کشورهایی که تسلیم شده‌اند و آرمانی ندارند و روابط خود را با اسرائیل عادی کرده‌اند، تعداد کمتری هستند. کشورهای شریف و مقاوم تلاش می‌کنند در مقابل این عادی‌سازی بایستند و به همین خاطر امروز سینما نقش مهمی دارد. سینمای مقاومت باید گسترش یابد و بر نسل جوان تمرکز کرده و ابعاد این موضوع را برای آنها تشریح کند تا نسل جوان ابعاد گام‌های اشغالگران و شیوه‌های تسلط آنها و ظلم‌هایی را که در حق ملت‌ها روا می‌دارند درک کند؛ چه این اشغالگر رژیم صهیونیستی باشد و چه انصار آن مانند داعش و جبهه‌النصره و آمریکا، در راس این کشورهای مقاوم، سوریه و ایران و برخی ملت‌های تازه در جهان قرار دارند. سینما در این بخش غایب است یا به تعبیر دیگر حضور کم‌رنگی دارد و گام‌های مطلوب را برنمی‌دارد، به همین خاطر مسؤولان باید به این موضوع توجه کنند. همان‌طور که برای تجهیزات و پیشرفت‌های نظامی هزینه می‌کنند باید هنر و سینمای مقاومت را نیز توسعه دهند و این ملت‌ها را با کمک اینترنت به هم پیوند دهند، زیرا امروز جمله «وسیله ارتباط جمعی در اختیار ندارم» دیگر معنا ندارد. اکنون این وسایل برای همه فراهم است و باید برای جذب جوانان از آن استفاده کنیم. اینگونه نیست چون که من سوری هستم، فقط باید درباره سوریه فیلم بسازم، بلکه می‌توانم شخصی از آمریکای جنوبی را دعوت کنم که این شرایط را تجربه کند تا این وضعیت را با شیوه خود به ملتش منتقل کند. درباره ایران نیز اینچنین است؛ ایرانی‌ها می‌توانند به سوریه بیایند و فیلمبرداری کنند و سوری‌ها برای تصویربرداری به ایران بروند. آنگاه می‌بینیم این هماهنگی نتیجه می‌شود که توان از کتاب و برگزاری نشست‌ها و همایش‌ها نیز بهره گرفت و بر نوجوانان تمرکز کرد که روز به روز دارند هدف خود را از دست می‌دهند و سرگردان‌تر می‌شوند. نسل‌های امروز همان آینده هستند، باید اندیشه‌های خوب را در وجودشان بکاریم تا در آینده میوه دهد و راه و شیوه سیاسی ما را استوار ببخشند. این شیوه می‌تواند موفق شود اگر مشکلات نسل جوان را درک کنیم و با سینما به دنبال حل آن باشیم.

■ **بودجه‌های سنگینی از طرف برخی برای تولید فیلم‌ها و سریال‌هایی هزینه می‌شود که هدف آنها نابودی ارزش‌ها و اندیشه‌ها و الگوی زندگی در جوامع مقاوم و به طور کلی منطقه است؛ همین‌طور مشاهده می‌کنیم بودجه‌های هنگفتی برای ترویج و توجیه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و صلح با یهودیان هزینه می‌شود؛ به نظر شما چگونه می‌شود در مقابل این عملیات ایستاد و تاثیر هنر در این زمینه چقدر است؟**

این مساله به ابتدای قرن ۲۱ یعنی سال ۲۰۰۰ بازمی‌گردد. آنها تلاش می‌کنند بر سریال‌های سوری به عنوان سریال‌های درجه اول جهان عرب تاثیر بگذارند، زیرا این فیلم‌ها و سریال‌ها حاوی موضوعاتی ملی و ناسیونالیستی و میهن‌پرستی است، به همین خاطر تلاش کردند آن را هدف قرار دهند. در نخستین گام، سریال‌های ترکی را وارد و به لهجه سوری دوبله کردند و پس از آغاز اختلا با ترکیه، آثار مکزیک‌ی و... را وارد کردند تا کارهایی درجه چندم و بی‌ارزش ارائه کنند. به عنوان مثال امروز با حضور چند بازیگر از سوریه و لبنان و مصر یک اثر مشترک می‌سازند، من از نخستین کسانی بودم که با این اقدام مخالفت کردم و به همین خاطر کشورهای عربی خلیج‌فارس از بخش تولیدات من جلوگیری کردند. بخش آثار من در کشورهای عربی خلیج‌فارس از سال ۲۰۱۰ و پیش از آغاز بحران سوریه متوقف شد، زیرا من در مقابل این اقدام ایستادم و اصرار داشتم با شبکه‌های سوری همکاری کنم ولی متأسفانه برخی شبکه‌های سوری به اهمیت سریال اعتقادی ندارند.

هنگامی که یک شهروند سوری به یک کشور عربی سفر می‌کرد، مانند یک ستاره سینما از او استقبال می‌شد، زیرا سینما و سریال‌های سوری بسیار مورد توجه قرار گرفته بود و تاثیر خود را در ملت‌ها گذاشته بود. امروز همان‌طور که ما سلاح و تجهیزات نظامی خود را توسعه می‌دهیم و برای آن هزینه می‌کنیم، باید سینما و رسانه را نیز توسعه دهیم و در این زمینه پیشرفت کنیم، چرا که این تنها راه تغییر در افکار و اندیشه‌هاست.

از طریق موبایل و اینترنت موجود در دست همه جوانان می‌توان برنامه‌های مورد نظر را برای آنها منتشر کرد، دیگر مانند گذشته نیست که حکومت‌ها در ساعت مشخصی، برنامه معینی را از شبکه مشخصی به شهروندان تحمیل کنند، بلکه امروز هر شخصی می‌تواند هر چیزی را که بخواهد تماشا کند. آنها از آغاز بحران تاکنون حتی یک روز از انتشار این سموم و تولید آثاری که تاریخ و تمدن و اصول و ارزش‌های ما را خدشه‌دار می‌کند، دست نکشیده‌اند.

نقش مقاومت فقط در تفنگ متبلور نمی‌شود، بلکه تفنگ و دوربین با هم این نقش را کامل می‌کنند. برای ثبت دستاوردهای مقاومت به دوربین نیاز است، نه فقط دوربین، بلکه هر نوع هنری که بتواند در این زمینه در خدمت مقاومت قرار گیرد، به همین خاطر نباید دشمن را دست‌کم بگیریم و باید بدانیم برای رسیدن به اهدافش میلیاردری هزینه می‌کند.

# سعودی رژیم تحریف

ممکن است ما بودجه میلیاردری نداشته باشیم ولی باید بودجه‌ای ویژه برای تولید آثار هنری اختصاص دهیم که روحیه مقاومت را در وجود نسل جوان نهادینه کند، زیرا آینده متعلق به آنهاست و اگر امروز تکاریم، ۱۰ سال بعد چیزی برداشت نخواهیم کرد. کشورهای عربی خلیج‌فارس، ابتدا با یک سریال روی موضوع عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی کار کردند و سپس این توافق‌ها را امضا کردند. ما چه کرده‌ایم؟

■ **آیا در جشنواره‌های بین‌المللی شرکت می‌کنید؟ دیدگاه شما درباره این جشنواره‌ها که ممکن است فیلم‌هایی از کارگردانان عربی که ترویج‌کننده موضوع عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی است نیز در آنها شرکت کنند چیست؟**
امروز در غیاب جشنواره‌های مقاومت، دیگر جشنواره‌ها مانند «کن»، «ونیز» و «برلین» تنها فرصت برای پاسخگویی به نیازهای تولیدکنندگان هستند ولی این جشنواره‌ها بیش از آنکه هنری باشند، سیاسی هستند، همان‌طور که می‌بینید فقط فیلم‌های ضدحکومتی ایرانی در آنها برنده می‌شوند و جایزه کسب می‌کنند.

این جشنواره‌ها غیرممکن است فیلمی با ژانر مقاومت را

نمایش دهند. من تلاش کردم در این جشنواره‌ها شرکت کنم ولی فیلم‌هایی که از پیروزی‌ها و قهرمانی‌های ارتش سوریه سخن می‌گویند هرگز راه نمی‌یابند و امکان ندارد چنین آثاری به فروش برسند. به محض اینکه آرم ارتش سوریه یا پرچم سوریه را ببینند، می‌گویند خارج از موضوع جشنواره است. موضوع در ایران اما متفاوت است. از سفر به ایران بسیار خرسندیم. در یکی از جشنواره‌های مهم در تهران که با حضور محمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین برگزار شد، جایزه دریافت کردیم. در ایران به هنر و فیلم مقاومت اهمیت زیادی می‌دهند.

جشنواره‌های فیلم مقاومت که در ایران برگزار می‌شود- که امسال نیز در آنها شرکت خواهم کرد- بسیار عالی هستند و باید چنین جشنواره‌هایی در سوریه و کشورهای آمریکای لاتین برگزار شوند ولی کشورهای غربی از آثار مربوط به مقاومت استقبال نمی‌کنند.

امروز در سایه محاصره و تحریم اقتصادی، وضعیت معیشتی

سختی را تجربه می‌کنیم و این سوال مطرح است که چگونه باید این محاصره را بشکنیم؛ از طریق عملیات نظامی؟ به نظر م باید از طریق هنر و اندیشه برای شکستن این محاصره اقدام کنیم و با اطلاع‌رسانی واقعیت‌ها به مردم دنیا، آنها را با خود همراه کنیم و افکار عمومی را تغییر دهیم.

شبکه MBC عربستان شبکه‌ای را به زبان فارسی افتتاح کرده است که فیلم‌هایی را بر اساس سیاست‌های خود بخش می‌کند و برای این کار هزینه هنگفتی را صرف کرده و این در حالی است که ما تلاش می‌کنیم اکنون حداقل‌ها را در این زمینه فراهم کنیم.

■ **در میان کارگردانان مطرح سینمای جهان کسانی هستند که الگوی شما قرار گرفته باشند یا در علوم سینما از آنها چیزی آموخته باشید؟**

مکاتب زیادی در دنیا وجود دارد، بویژه کارگردانان ایتالیایی که واقعیت‌گرا هستند و برخی کارگردانان فرانسوی و سوئدی مانند «پائولو پازولینی»، «فدریکو فلیپی»، «برگمان» و دیگران که تاثیراتی را در سینما داشتند و از آنها هنر سینما آموختیم و از این آموخته‌ها در ساخت آثار سینمایی بهره می‌برم.

امروز متأسفانه بسیاری از امور با هم مخلوط شده است؛ بیشتر تولیدات و آثار موجود بر پرده‌های سینما و شبکه‌های

# گفت‌وگوی «وطن امروز» با نجات اسماعیل انزور کارگردان مطرح سینمای سوریه

جهانی، ساخته و پرداخته اکشن و تخیل و داستان‌های خرافی است که عقل و اندیشه کودکان را به مسیری که خود می‌خواهند می‌کشانند.

آیا ما یک شخصیت کار تونی عربی مهم ایجاد کرده‌ایم؟ یا شخصیتی ایرانی؟ در حالی که تاریخ ما برخلاف تاریخ آنها، پر از اسطوره‌هاست.

آنها در این زمینه هزینه‌های هنگفتی می‌کنند و ما بخل می‌ورزیم. هنر و بخل با هم جمع نمی‌شوند؛ تولید و اختراع نیاز به وقت و هزینه دارد.

امروز ما در حال ساخت اثری عظیم با همکاری وزارت اطلاع‌رسانی سوریه هستیم ولی از مشکل مالی رنج می‌بریم، این در حالی است که می‌دانیم هیچ کشور دیگری نخواهد آمد و درباره پیروزی‌های ارتش سوریه اثری خلق نخواهد کرد. هنگامی که بخش خصوصی در سوریه آغاز به کار کرد، تولیدکنندگانی بودند که به اهمیت هنر و تاثیر آن ایمان داشتند و در طول ۱۰ سال فقط آثار سوری بود که در سینماها و شبکه‌های کشورهای عربی پخش می‌شد بااینکه امکاناتی که ما داشتیم با امکانات کشورهای عربی خلیج‌فارس قابل مقایسه نبود. تنها کاری که انجام شد اینکه این آثار بر اساس اندیشه و موضوعات و داستان‌های جذاب و تاریخ و تمدن ساخته شد.

پس از آن برخی آثار سوری به ابعاد زندگی اجتماعی در دمشق قدیم پرداخت ولی این موضوع را به صورت تحریف شده به نمایش گذاشتند و تصویر زن سوری را تحریف کرده و تصویر غیرواقعی از وی به نمایش گذاشتند و برخی مفاهیم و هنجارهای غلط را ترویج کردند که در پشت‌پرده این تحریف‌ها، عربستان قرار داشت و من در جریان این موضوع به شکل دقیق هستم که عربستان برای این تحریف‌ها هزینه می‌کند.

■ **آیا فیلم جوکر را مشاهده کرده‌اید؟**

■ **در اعتراض‌هایی که در برخی کشورهای عربی منطقه اتفاق افتاد، تعدادی از اعتراض‌کنندگان از نقاب موجود در فیلم**

**جوکر استفاده کردند؛ به نظر شما رمز و الگوی ایجاد شده توسط این فیلم چه بود؟ آیا این فیلم برای منطقه ساخته شد؟**

به‌طور منطقی به این سوال پاسخ می‌گویم؛ چنین فیلم‌هایی دارای ارزش‌های هنری هستند و با امکانات بسیاری ساخته می‌شوند ولی این سوال مطرح است: الگویی که ما ایجاد کرده‌ایم کجاست؟ در غیاب الگوهای خودی، ما از الگوهای غیر خودی پیروی می‌کنیم که آنها برای ما ایجاد می‌کنند.
**فیلم «خون نخل» که در سال جاری در جشنواره فیلم مقاومت در ایران شرکت می‌کند حامل چه ارزش‌هایی است؟**

■ **با شرکت دادن این فیلم در جشنواره‌های خارجی، قصد ارسال چه پیامی را به دنیا دارید؟**

فیلم «خون نخل» پیام‌های متعددی دارد: نخست، به نمایش گذاشتن تخریب و سرعت آثار باستانی سوریه و این یعنی نخستین پیام و ره‌آورد تروریست‌ها، ویران کردن تمدن این امت است.

مقاومت فقط مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی نیست، بلکه مبارزه با افکار منحرف و تندروانه یعنی اندیشه‌ها و افکار ویرانگری است که تلاش می‌کنند تاریخ و تمدن ما را تغییر دهند.

پیام دوم، قهرمانی‌های فردی است که در جنگ با تروریسم مشاهده می‌شود و همه می‌بینند که سربازان گمنام و ساده سوریه چگونه برای نجات و رساندن این آثار به مکان‌های امن، جان خود را به خطر انداختند.

هدف دیگر، افزایش روحیه از طریق این داستان‌ها و نمایش عوامل این تخریب‌ها و طرف‌هایی است که پشت این برنامه‌ها قرار دارند.



«خون نخل» موفق شد چرا که چندبعدی است؛ بعد انسانی، نظامی و تمدنی.

ترور و اعدام شخصیتی مانند دکتر «خالد الاسعد» که ارتباطی با امور سیاسی و نظامی نداشت، بلکه زبان و خط تدمری را می‌دانست و از همه جزئیات شهر تاریخی تدمر اطلاع داشت و در این شهر می‌زیست و برای حفظ آثار باستانی در این شهر ماند و از آن خارج نشد، آن هم در حالی که بیش از ۸۰ سال سن داشت، بی‌رحمانه بود.

■ **به نظر شما سینما تا چه اندازه می‌تواند موضوع مقاومت را برجسته کند و بر زندگی ملت‌های مظلوم جهان تاثیر گذار باشد؟**

در واقع از تجربه‌ای که در دوران بحران سوریه داریم، فیلم‌های مختلفی ساختیم، مانند «فاتی زوال‌پذیر» و «مرد انقلاب» و «رفع قضاء» که داستان محاصره زندان مرکزی حلب را بازگو می‌کند که زنانی و زندانبان هر دو از زندان دفاع می‌کردند، زیرا زندان را قطعه‌ای از وطن می‌دانستند. فیلم «خون نخل» آخرین اثر در این باره است و اکنون برای ساخت فیلم‌ها و سریال‌های دیگر آماده می‌شویم.

آنچه در طول بحران ساخته شد، تاثیر بسیار زیادی بر نسل جوان و آگاهی و بیداری این نسل نسبت به جنگ و تروریسم و کشورهای پشت‌پرده این جنگ‌ها داشت.

اهداف کشورهای غربی از این حوادث، گرسنگی دادن ملت‌ها برای تسلیم شدن کشورهای منطقه است. متأسفانه برخی کشورهای عربی تسلیم شدند ولی برخی دیگر و در رأس آنها سوریه و ایران و برخی کشورهای تازه همچنان مقاومت داشته‌اند، به همین خاطر ما اینگونه فیلم‌ها را حمایت و برای گسترش مفاهیم مقاومت تلاش می‌کنیم. من یک فیلم به نام «هل وفا» (وفاداران) که داستان یک عملیات استشهادهای روی پل «الخرده» در لبنان را در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی حکایت می‌کند ساختم که بسیار موفق ظاهر شد. این آثار، روحیه مقاومت را در جوانان تقویت و واقعیت‌های حوادث اطراف ما را بازگو می‌کند، زیرا روزانه دروغ‌های بسیاری منتشر می‌شود و رسانه‌های مغرض نیز وظیفه منحرف کردن افکار عمومی را بر عهده گرفته‌اند و اگر این آثار تولید نشود، جوانان شدت تحت تاثیر این دروغ‌پردازی‌ها قرار می‌گیرند.

ورود اندیشه و فرهنگ مقاومت به سینما در کنار تفنگ و سلاح، یقینا ما را به هدف مورد نظر می‌رساند.

■ **منطقه ما علاوه بر جنگ‌های نظامی با جنگ‌های فکری، فرهنگی و هنری روبه‌روست. آثار مختلفی برای ورود ارزش‌ها و اصول نامتناسب با جامعه، آداب و رسوم ملت‌های منطقه ساخته و منتشر می‌شود؛ نقش نامین‌کنندگان مالی برای تولید این آثار برای تحمیل قواعد سینمایی جدید در منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بی‌تردید سرمایه همیشه حرف اول را می‌زند. اکنون سرمایه و اموال آمریکا، تمام منطقه را پوشش داده است. این اموال، در غیاب اندیشه‌های خودی، فیلم‌ها و اندیشه‌های مورد نظر خود را گسترش می‌دهد.

منظور این نیست که ما حضور نداریم ولی باید بگویم ما تا ۹۰ درصد، وظیفه خودمان را به‌طور صحیح انجام نمی‌دهیم. حمایت از این آثار امروز واجب و یک وظیفه مقدس است، مانند جهاد و مقاومت و باید به این موضوع توجه داشته باشیم

و ۲ نسل ایرانی و سوری را در زیر چتر یک اندیشه واحد یعنی اندیشه مقاومت جمع کنیم و برای این کار باید نشست‌ها و همفکری‌ها و دیدارهای متقابل و تبادل فرهنگ‌ها و فیلم‌ها و همکاری هنرمندان افزایش یابد. من در اینجا فقط از هنر دفاع نمی‌کنم، بلکه از وطن و از وجود دفاع می‌کنم، زیرا حمایت غربی‌ها از برخی فیلم‌ها یک اقدام حساب شده است و هدف آن چیزی غیر از خدشه‌دار کردن چهره زیبای عرب‌ها نیست.

■ **نظر شما درباره شکل و ساختار جهان عرب پس از عادی‌سازی‌های اخیر در روابط با رژیم صهیونیستی و این دودستگی شدید چیست؟**

برای اینکه نسل‌های آینده را در سوریه حفظ کنیم و آنها را به مسیر صحیح هدایت کنیم باید روحیه مقاومت را در وجود آنها بدمیم، مقاومت در همه چیز و نه فقط هنر، مثلا در کار و حتی الگوی مصرف؛ باید روحیه مقاومت را تقویت کنیم. به عنوان مثال اگر امروز غذای کافی داشتیم، باید به فکر فردا هم باشیم، نباید همه چیز را مصرف کنیم، بلکه باید برنامه‌ریزی کنیم، برنامه‌ریزی بخش اصلی کار ما است. باید هنرمندان و سینماگران را دعوت کنیم تا از بخش‌ها و مناطق آزاد شده بازدید کنند، زیرا این آزادی نتیجه مقاومت است.

باید این فیلم‌ها را با یکدیگر مبادله کنیم و دیگر ملت‌ها را از فرهنگ سینمایی خود مطلع و آگاه کنیم و با فرهنگ‌های آنها نیز آشنا شویم و امکانات و ابزارهای خود را توسعه دهیم و در زمینه سناریونویسی نیز پیشرفت کنیم.

فیلم‌های ایرانی که امروز در خارج جوازبزی را کسب می‌کنند بیشتر فیلم‌های ضدحکومت و ضدمفهوم مقاومت هستند. آنها به خاطر پوشش دادن موضوعات و جنبه‌های منفی و غیرمناسب برای جامعه ایرانی، جایزه دریافت می‌کنند، هر چند این آثار دارای ارزش هنری چندانی نباشند.

در مقابل، هر فیلمی که قهرمانی‌های ارتش سوریه یا ارتش ایران یا اندیشه مقاومت یا هر اندیشه مرتبط با مقاومت را نمایش دهد، از پخش آن جلوگیری می‌شود و به جشنواره‌های خارجی راه نمی‌یابد.

به همین خاطر ما در این جشنواره‌ها شرکت نمی‌کنیم، بلکه خواستار ایجاد جشنواره‌های جدیدی در کشورهای محور مقاومت هستیم تا از طریق تبادل و همکاری این آثار، سینمای جایگزین خلق شود.

■ **همکاری بخش‌های سینمایی سوریه و ایران را چگونه می‌بینید؟**

تلاش کردیم همکاری‌هایی انجام شود، به رغم وجود فرهنگ‌های مختلف و موضوعات مختلف مورد توجه ۲ طرف. معتقدم با توجه به اینکه سرزمین سوریه با خون ایرانیان آبیاری شده است، موضوعات و داستان مشترکی وجود دارد که می‌توانیم بر آنها تمرکز کنیم و این چیزی است که تلاش می‌کنیم در آینده بسیار نزدیک محقق شود.

■ **استاد نجات انزور!** شما در طول ۱۰ سال گذشته آثاری را درباره بحران سوریه و جنگ تولید کردید؛ آیا ممکن است در آینده نزدیک آثاری را از شما درباره سوریه پس از جنگ و بحران شاهد باشیم؟

هنگامی که این بحران به پایان برسد، مانند گذشته سراغ آثار و تولیدات اجتماعی

و آثاری می‌رویم که درباره خوش‌بینی به آینده و تغییر و بهبود وضعیت جوانان سخن بگوید. امروز ما با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستیم و در همه چیز کمبود داریم، حتی مواد مصرفی. امروز نمی‌توانیم نظر این نسل را به اندیشه‌ها و مفاهیم غیرواقعی معطوف کنیم.

امروز ما رنج‌ها و مشکلاتی داریم که باید بر آنها تمرکز کنیم، باید سرزمین خود را آزاد و حاکمیت خود را تثبیت و سپس به سوی دیگر افقا‌ها حرکت کنیم.

بد نیست به این هم اشاره کنم که داشتیم برای رفتن به آلمان و اجرای برنامه‌ای به نام «تعطیلات پایان هفته سوری در برلین» آماده می‌شدیم. این برنامه قرار بود درباره جوانان سوری ساکن در برلین و وضعیت زندگی آنها اجرا شود ولی پس از گسترش بیماری کرونا به تأخیر افتاد... ولی ما همچنان در چارچوب این بحران با تمام ویژگی‌ها و تاثیرات مثبت و منفی آن فعالیت می‌کنیم.

■ **شما اکنون برای تولید اثری در ژانر درام درباره پیروزی‌های ارتش سوریه و نیروهای همیمان آماده می‌شوید؛ اندکی درباره جزئیات این کار توضیح می‌دهید؟**

وزارت اطلاع‌رسانی سوریه امروز کار بزرگی را به نوسندگی استاد «محمود عبدالکریم» که دست اجرا دارد که بحران سوریه و پیروزی‌های ارتش را در ۱۰ سال گذشته حکایت می‌کند. این اثر ماه ژوئن آینده هم‌زمان با انتخابات ریاست‌جمهوری نمایش داده می‌شود.

این سریال ۳۰ قسمت دارد که ۲۰۰ هنرمند در آن نقش آفرینی می‌کنند و در ۴۰ منطقه فیلمبرداری می‌شود. در تلاشیم امکانات مورد نیاز آن را از طریق دولت تأمین کنیم. در این سریال ۱۰ داستان از ۱۰ منطقه مختلف به تصویر کشیده می‌شود که یک محقق که درباره بحران سوریه تحقیق می‌کند، رابط این داستان‌هاست تا از محدوده زمان خارج شویم، زیرا برخی از این حوادث سال‌ها پیش اتفاق افتاده است و برخی جدیدتر است. این رابط همه این حوادث را به هم پیوند می‌دهد و قهرمانی‌های زیبای ارتش سوریه و هم‌چینان‌ها و دوستان سوریه را که در مبارزه و سرکوب تروریسم مشارکت داشتند به نمایش می‌گذارد.



یکشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۹

وطن امروز | شماره ۳۰۷۲

## گفت‌وگو

